



طرح شعار مرگ بر اسرائیل برای اولین بار توسط دانشجویان



مساله فلسطین در سال‌های مبارزه دانشجویان علیه شاه پررنگ بود. برخی دانشجویان مسلمان ایرانی از راه‌های گوناگون با تحمل خطر‌های فراوان از کشور خارج شده و به سازمان آزادی‌بخش فلسطین می‌پیوستند و در داخل نیز دانشجویانی که در دانشگاه بودند با بخش‌های اعلامیه و تجمع، آگاهی‌بخشی می‌کردند؛ اما یکی از مهم‌ترین پروژهای مخالفت با اسرائیل فروردین

سال ۴۹ در ورزشگاه امجدیه (شهیدشیرودی اکنون) شکل گرفت. روزنامه‌های اطلاعات تیترو زده بود: «ساعت ۶ بعدازظهر تیم‌های فوتبال ایران و اسرائیل آخرین دیدار بازی‌های قهرمانی جام آسیا را برگزار می‌کنند.» این تیترو روزنامه‌های اطلاعات خشم دانشجویان را برانگیخت. دانشجویان در اقدامی مانع از خرید بلیت توسط ثابت پاسال صهیونیسم و به ورزشگاه وارد شدند و با شروع مسابقه یک‌صدا و برای اولین بار شعار «مرگ بر اسرائیل، درود بر فلسطین» را فریاد زدند. دانشجویان در نامه‌ای سرگشاده اعلام کردند: «این بازی زمینه‌روابط علنی و رسمی میان تهران-تلی‌اوپو را فراهم می‌سازد و این رابطه اگر شکل بگیرد رژیم مسئول هر اقدامی است که دانشجویان مسلمان انجام خواهند داد...»

«اتحاد، مبارزه، پیروزی، اسرائیل و قوق؛ با اراه بریدند سر موشه دایان راه، عجب کره‌خوری بود!» شعارهای دانشجویانی بود که در حمایت از مردم فلسطین در هفته‌های پیش از برگزاری مسابقه فوتبال تیم‌های ایران و اسرائیل سر داده شد. بعضی از تراکت‌هایی که از طرف دانشجویان علیه برگزاری این مسابقه پخش شد به شرح زیر است: «دانشجویان ایران شرکت اسرائیل را در مسابقات جام آسیایی به شدت تحریم می‌نماید.» در اطلاعیه دیگری آمده است: «اکنون که بدون توجه به افکار و احساسات مردم و به‌منظور خوش‌خدمتی به امپریالیسم و اسرائیل مسابقات

فرماندهی دانشجویان در جنگ تحمیلی

با آغاز جنگ تحمیلی آن‌هم به فاصله دو سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در حالی که فضایی خاص در دانشگاه حاکم شده بود، جنگ نسل جوان دانشجو را به میدان آورد به طوری که بخش قابل توجهی از دانشجویان که عمدتاً عضو انجمن‌های اسلامی بودند برای حفظ تمامیت ارضی، نقش اساسی را ایفا کردند. دفتر تحکیم وحدت دوازدهم مهرماه سال ۱۳۵۹ با انتشار بیانیه‌ای ضمن تشکیل اتاق فرماندهی جنگ با حضور دانشجویان نخبه، خواستار حضور گروه‌های دانشجویی در نبرد با دشمن شد. این مساله تا جایی پیش رفت که این تشکل دانشجویی یکی از شروط نامزدی در شورای مرکزی را داشتن سابقه جبهه برای دانشجویان متقاضی تعیین کرد. نقش تاثیرگذار و آمار شهادت قابل‌تأمل دانشجویان در هشت سال دفاع مقدس از دیگر ناگفته‌های دوران دفاع مقدس است. سر تیپ حسین حسینی ذیقعی، مشاور عالی فرمانده سپاه در این باره می‌گوید: «۸۰ درصد فرماندهان جنگ در دوران جنگ تحمیلی، دانشجوی بودند و با شروع جنگ حتی از دانشگاه‌های خود و از آمریکا برای حضور در جبهه آمدند.» امیر سر تیپ سیدحسام هاشمی، مشاور فرماندهی کل قوا نیز درباره آمار شهدای دانشجو در جنگ تحمیلی می‌گوید: «در هشت سال جنگ تحمیلی نظام جمهوری اسلامی حدود دوهزار و ۸۹۵ شهید از دانشجویان بودند. شهدای دانشجو در جنگ تحمیلی سه برابر بیشتر نسبت به افسران مختلف بوده‌اند و روحانیون نیز ۱۱ برابر افسران دیگر مردم در جنگ حضور داشتند.» یکی از فرماندهان نام‌آشنا، محسن وزولایی از اعضای انجمن اسلامی با رتبه کنکور سراسری یک شیمی در سال ۱۳۵۵ است، او مدتی فرمانده گردان ۹ سپاه بود. با تشکیل تیپ محمدرسول... (ص) فرمانده گردان حبیب شد و در عملیات بیت‌المقدس در حالی که حکم فرماندهی تیپ سیدالشهدا (ع) را داشت، در قامت فرمانده محور وارد عملیات شد و در جبهه خرمشهر به شهادت رسید. شهید حسن باقری (غلامحسین افشردی) که بعدها مغز متفکر جنگ شد در کنکور سراسری رتبه ۱۰۴ را کسب کرد و در رشته حقوق قضایی دانشگاه تهران پذیرفته شد و تحصیل کرد. شهید غلامعلی پیچک، فرمانده عملیات سپاه غرب بود که قرار بود در رشته انرژی اتمی تحصیل کند و به خارج از کشور برود اما پیش از اعزام وارد جنگ شد و به شهادت رسید. شهید مهدی زین‌الدین، فرمانده لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابیطالب (ع) در دوران دفاع مقدس، دانشجوی رشته پزشکی در دانشگاه شیراز بود. وی پذیرش از سوی یکی از دانشگاه‌های فرانسه را نیز داشت. شهید مجید بقایی نیز همچون شهید زین‌الدین دانشجوی پزشکی بود که در دانشگاه جندی‌شاپور اهواز تحصیل می‌کرد. وی در دوران جنگ تحمیلی فرمانده قرارگاه گریلا بود. شهید محمدابراهیم همت، فرمانده محبوب لشکر ۲۷ محمدرسول... (ص) در دوران تحصیل خود را در رشته تربیت معلم گذراند. شهید محمود شهزادی‌دستجرد نیز از دانشجویان دانشگاه علم و صنعت و از هم‌دوره‌ای‌های جاویدالاحمد متوسلیان در این دانشگاه بود. وی در عملیات بیت‌المقدس همچون وزولایی، فرمانده محور بود که در آن عملیات به شهادت رسید.

نقش آفرینی در اداره کشور

یکی از مواردی که پیش از انقلاب دانشجویان را آزار می‌داد این بود که به‌رغم هوش و استعداد جوانان ایرانی اما از آنان در اداره کشور بهره برده نمی‌شود. دوره تحصیلات تکمیلی به‌شدت نادر و از فارغ‌التحصیلان نیز استفاده نمی‌شد. عموم مهندسان و تکنسین‌های کارخانه‌ها و صنایع را مستشاران کشورهای خارجی تشکیل می‌دادند؛ اما این موضوع پس از انقلاب رنگ باخت. به‌عنوان نمونه فقط در پایان موضوع لانه جاسوسی، بسیاری از دانشجویان جذب دستگاه و سازمان‌های دولتی شدند. شاید انتصاب حسین شیخ‌الاسلام، یکی از سخنگویان دانشجویان پیرو خط امام به معاونت سیاسی وزارت امور خارجه، اولین انتصاب دانشجویان به سمتی در دولت بود. محسن امین‌زاده نیز در دوران خاتمی به معاونت آسیای وزارت امور خارجه رفت. محمدمهدی رحمتی بعدها به معاونت نظارت راهبردی «معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی» ریاست‌جمهوری در دوران دولت نهم منصوب شد. در انتخابات مجلس سوم، ابراهیم اصغرزاده برای اولین بار به‌عنوان عضو دانشجویان پیرو خط امام، کاندیدای تهران و موفق شد به مجلس راه یابد. طاهره رضازاده از دیگر دانشجویان پیرو خط امام که همسر ابراهیم اصغرزاده نیز هست در انتخابات ششم به مجلس راه یافت. مجلس ششم، دانشجویان پیرو خط امام را دیگری چون شمس‌الدین وهابی و محمدنعمی پور داشت. حبیب... بی‌طرف، دانشجوی یزدی دانشگاه تهران هشت سال وزیر نیرو بود. علی زحمتکش و وفا تابش دو عضو ارشد دانشجویان خط امام به خوزستان رفتند و مسئولیت ساخت سدهای بزرگ کرخه دو و سه را برعهده گرفتند. رحمان داماد مدت کوتاهی وزیر راه و ترابری شد. حسین دهقان و معصومه ابتکار نیز معاونان رئیس‌جمهوری بودند. عزت... ضرغامی مانند بسیاری از دانشجویان پس از پایان کار لانه جاسوسی به سپاه پاسداران پیوست اما علاقه‌های فرهنگی او را پس از جنگ به معاونت سینمایی وزارت ارشاد کشاند. محمدعلی جعفری را همان عزیز جعفری متولد یزد که در دانشگاه معماری دانشگاه تهران تحصیل می‌کرد، به سپاه پیوست. مهدی رجب‌بیگی که قلم و بیان رسایی داشت، از سال‌ها قبل با انتشار نشریه طنز به‌نام «بیغ و داد» با کمونیست‌ها درگیر بود. رجب‌بیگی مهرماه سال ۶۰ به دست منافقین در خیابان‌های تهران به شهادت رسید.

چه کسی نام تحکیم وحدت را انتخاب کرد؟

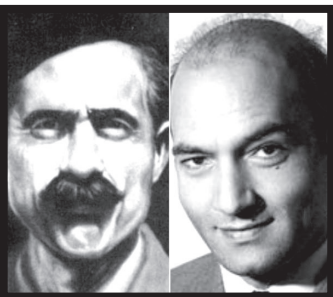
۲۹ شهریورماه سال ۱۳۵۸ امام‌خمینی در دیدار با اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان سراسر کشور، از آنان می‌خواهد وحدت میان‌شان را تحکیم کرده و در عضوگیری از دانشجویان به سوابق آنان توجه کنند. روزنامه کیهان ۳۱ شهریورماه با بازتاب خبر می‌نویسد: «با پایان گرفتن سمینار نمایندگان انجمن‌های اسلامی دانشجویان و سازمان‌های دانشجویان مسلمان سراسر کشور در دانشگاه پلی‌تکنیک تشکیل شده و به مدت یک‌هفته ادامه داشت، شرکت کنندگان در سمینار، در قه به حضور امام رسیده و گزارش کار خود را به اطلاع ایشان رساندند.» امام پیش از آن نیز در بهار همان سال در دیدار با گروهی از دانشجویان عضو انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های تهران به آنان گفته بود «بروید تحکیم وحدت کنید؛ همین سخن بود که مبنای برگزاری سمینار تحکیم وحدت و تشکیل «دفتر تحکیم وحدت» در سال ۱۳۵۸ می‌شود.

انقلاب دومی که دانشجویان به راه انداختند



انقلاب اسلامی به پیروزی رسیده است اما با حضور دولت موقتی که از مردم می‌خواهد به خانه‌هایشان بازگردند، حرکت‌های انقلابی دیده نمی‌شود. این تعبیر خودبازرگان که ما (دموکرات‌ها و لیبرال‌ها) فولکسی‌ایم و انقلابیون بولدوزر هستند! در سراسر کشور آشوب‌هایی در مناطق مختلف صورت می‌گیرد. دانشجویان به این نتیجه می‌رسند که منشأ این تحركات علیه انقلاب اسلامی، آمریکاست. امام هم در آبان‌ماه سال ۵۸ به طلاب و دانشجویان اعلام می‌کند که همه‌جمعه‌های خود را متوجه آمریکا سازند و در نهایت در اقدامی هماهنگ، انجمن‌های اسلامی در ۱۳ آبان‌ماه سال ۵۸ دست به تسخیر سفارت آمریکا می‌زنند. دانشجویان تصورشان این بود که امام از این تصمیم آنها باخبر است اما امام‌خمینی در روز حادثه در جریان این اقدام قرار می‌گیرند؛ اما ایشانات این اقدام دانشجویان را انقلاب دوم می‌نامد و به دانشجویان اطلاع می‌دهد خوب جایی را گرفته‌اید.

روشنفکران و جامعه دانشگاهی



بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از بازگشتی مجدد دانشگاه‌ها از گروه‌های فکری گروه‌های دانشجویی درباره نوع مرزبندی با چهره‌های روشنفکری تاثیرگذار در دانشگاه‌ها بود. دکتر علی شریعتی و جلال‌الاحمد دو چهره‌ای بودند که بیشترین گفت‌وگوها را حول خود به وجود آوردند؛ در این فضا آیت‌... خامنه‌ای به‌عنوان یک چهره مورد قبول جریانات دانشجویی ازجمله افرادی بود که به‌صورت شفاف به ابراز عقیده درباره این

دو روشنفکر پرداخته است. ایشان در سال ۶۰ در گفت‌وگویی که با مجله «سروش» داشت درباره دکتر شریعتی گفته بودند: «به نظر من شریعتی برخلاف آنچه که همگان تصویری کنند یک چهره همچنان مظلوم است و این به دلیل طرفداران و مخالفان اوست. یعنی از شگفتی‌های زمان و شاید از شگفتی‌های شریعتی این است که هم طرفداران و هم مخالفانش نوعی همدستی باهم کرده‌اند تا این انسان دردمند و پرشور را ناشناخته‌نکه دارند و این ظلمی به اوست.» آیت‌... خامنه‌ای در آن مصاحبه درباره ارتباط شریعتی با روحانیت نیز گفته بودند: «شریعتی برخلاف آنچه گفته می‌شود درباره او و هنوز هم عده‌ای خیال می‌کنند، نه فقط صدروحانی نبود بلکه عمیقاً مومن و معتقد به رسالت روحانیت بود. او می‌گفت روحانیت یک ضرورت است، یک نهاد اصیل و عمیق و غیرقابل‌خدشه است و اگر کسی با روحانیت مخالفت بکند یقیناً از یک آبخشور استعماری تغذیه می‌شود، اینها اعتقادات او بود، در این هیچ شک نکنید این از چیزهایی بود که جزء معارف قطعی شریعتی بود اما در مورد روحانیت او تصورش این بود که روحانیون به رسالتی که روحانیت بر دوش دارد به‌طور کامل عمل نمی‌کنند.»

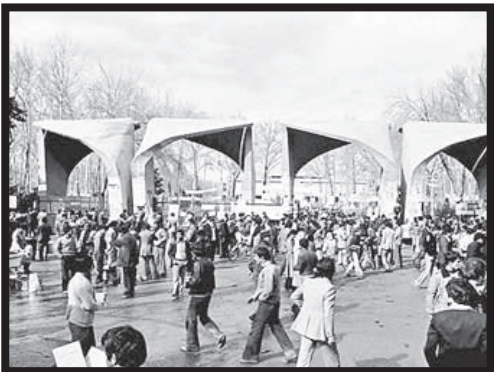
بازخوانی دیدگاه‌های رهبر انقلاب درباره جلال‌الاحمد نیز قابل‌تأمل است؛ ایشان ۲۲ اردیبهشت سال ۷۷ در سخنرانی‌ای که در جمع دانشجویان دانشگاه تهران داشتند ضمن تشریح روشنفکری به نکاتی از زندگی و شخصیت جلال‌الاحمد اشاره می‌کنند. ایشان در بخشی از سخنان خود گفته بودند: «پهتخت انقلابی از «فهمیدن» و «شناختن» شروع می‌شود. روشنفکر درست کسی است که در جامعه جاهل‌سی، آگاهی‌های لازم را به مردم می‌دهد و آنان را به راهی نو می‌رساند و اگر حرکتی در جامعه آغاز شده است؛ با طرح آن آگاهی‌ها، بدان عمق می‌بخشد. برای این کار، لازم است روشنفکر اولاً جامعه خود را بشناسد و ثانیاً آگاهی او را دقیقاً بداند. ثانیاً آن «راه نو» را درست بفهمد و بدان اعتقادی را سرخ داشته‌باشد. ثالثاً خطر کندو از پیشامدها نهراسد. در این صورت است که می‌شود العلماء ورثه‌الانبیاء. وجود چنین کسی برای یک ملت که به‌سوی انقلابی تمام‌عیار پیش می‌رود نعمت بزرگی است و آلالاحمد به‌راستی نعمت بزرگی بود.»

مبارزی که با دانشجویان همراه شد



در خلال مبارزات علیه رژیم شاه، آیت‌... خامنه‌ای با نگاه عقیدتی به نهضت اسلامی مبارزات خود را ادامه می‌داد. او با برگزاری جلسات تفسیر برای طلاب علوم دینی و دانشجویان می‌کوشید مبانی دینی-اعتقادی آنان را تقویت کند؛ چرا که جریان روشنفکری جریان فعال و مبارز در دانشگاه‌ها تلقی می‌شد و این رویکرد در واکنش به فعالیت‌های جریان‌های سیاسی معتقد به تفکر مارکسیستی، ضروری بود. آیت‌... خامنه‌ای در آذرماه سال ۱۳۵۲ محل اقامه نماز جماعت و جلسات تفسیر خود را به دعوت بانی و واقف مسجد کرامت، به آن مسجد انتقال داد و مسجد یادشده را به کانون فعالیت دانشجویان و طلاب جوان تبدیل کرد. در بین سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۳ درس‌های تفسیر و ایدئولوژی آیت‌... خامنه‌ای در سه مسجد «کرامت»، «امام‌حسن» و «میرزا جعفر» مشهد مقدس تشکیل می‌آید... مرتضی مطهری و خلی که از فقدان وی میان دانشجویان و دانشگاهیان پدید آمده بود، امام‌خمینی (ره) ۲۳ خردادماه سال ۱۳۵۸ طی سخنانی در جمع دانشجویان، آیت‌... خامنه‌ای را فردی فهیم و سخنور نامید و مرجع رسیدگی به مسائل فکری و عقیدتی دانشجویان و مقابله با تبلیغات احزاب و گروه‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی، به‌ویژه مارکسیست‌ها در محیط دانشگاهی تعیین کرد. او نیز از این تاریخ تا شروع جنگ ایران و عراق در ۳۱ شهریورماه سال ۱۳۵۹ روزهای دوشنبه در مسجد دانشگاه تهران در جمع دانشجویان حضور می‌یافت و ضمن اقامه نماز جماعت ظهر و عصر و ایراد سخنرانی در موضوعات مهم روز، به پرسش‌های فکری و سیاسی آنها پاسخ می‌داد. محمد هاشمی از دانشجویان تسخیرکننده سفارت آمریکا در این باره می‌گوید: «دانشجویان در جلسات پرسش و پاسخی که مقام معظم رهبری در مساجد مختلف ازجمله دانشگاه تهران -پایگاه‌شان دانشگاه تهران بود- داشتند، شرکت می‌کردند. در یک جلسه‌ای در دانشگاه تهران چپ‌ها آمده بودند به‌زعم خودشان سوال چالشی بپرسند که شما چرا رابطه‌تان را با آمریکا قطع نمی‌کنید؟ آنجا هم ایشان خیلی با هوشیاری گفتند ما نمی‌خواهیم رابطه‌مان را با آمریکا قطع کنیم، آمریکا مظهر تکنولوژی، علم و پیشرفت‌های مادی دنیاست... ایشان گفتند این حرف‌ها چیست و به چه منظوری زده می‌شود؟ ما رابطه را به‌هم نمی‌زنیم. تکنولوژی و علم و همکاری با آمریکا را می‌خواهیم. بعد از جلسه اینها بیرون آمدند و به کنایه گفتند ما که می‌گفتیم تسه ماجرای مذهب و اینها برمی‌گردد به فلا، یعنی می‌گفتند که این انقلاب تهش آمریکایی است.» با محسن میردامادی از فعالان دانشجویی سال‌های پس از انقلاب و از اعضای دفتر تحکیم وحدت می‌گوید: «در جلسات آغازین تشکیل اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان با حضور برخی بزرگان بحث می‌کردیم که آیا از مجموعه دیدگاه‌های امام‌خمینی می‌توان به یک منظومه فکری رسید؟ ابولحسن بنی‌صدر صریحاً می‌گفت خیر و معتقد بود اگر هر کدام از دیدگاه‌های برجسته امام را به‌صورت نقطه‌ای در نظر بگیریم هیچ خط مستقیمی وجود ندارد که آنها را به هم وصل کند، اما آیت‌... خامنه‌ای اعتقاد داشت مجموعه نظرات و دیدگاه‌های پرتکرار امام (ره) خط روشنی است و یک منظومه فکری منسجمی را در اختیار ما قرار می‌دهد.»

مساله علم؛ قبل و بعد از انقلاب اسلامی



از رشد چشمگیر و قابل توجهی برخوردار است؛ چرا که در حال حاضر ۶۰ تا ۷۰ هزار دانشجو در مقطع تحصیلات تکمیلی داریم و این نشان‌دهنده بالا رفتن سطح تحصیلات به‌ویژه تحصیلات دوره‌های تخصصی بین دانشجویان است، موضوعی که پیش از انقلاب اسلامی نه تنها مورد توجه قرار نمی‌گرفت، بلکه تنها در ۲۸ رشته برای دوره‌های دکتری تخصصی جذب دانشجو صورت می‌گرفت.

یکی دیگر از مسائل مورد اهمیت در بحث دانشگاه و دانشجویان، تعداد اعضای هیات‌علمی است؛ مساله‌ای که همانند تعداد دانشجو و دانشگاه در دوران پیش از انقلاب اسلامی توجه چندانی به آن نمی‌شد و تنها ۹ هزار و ۲۸۲ نفر عضو هیات‌علمی در دانشگاه‌های کشور وجود داشت، ولی این میزان به گفته معاون آموزشی وزارت علوم در سال ۹۵، ۸۰ هزار نفر بوده که ۵۸ درصد آنها اعضای هیات‌علمی دانشگاه‌های دولتی و مابقی مربوط به دانشگاه‌های بخش خصوصی هستند.

یکی از مولفه‌های رشد هر کشوری تعداد دانشجویان و سطح تحصیلات افراد در مقاطع مختلفی دانشگاهی آن جامعه است؛ مساله‌ای که در همه زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تاثیرگذار خواهد بود؛ با این حال باید بگوییم که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی کشورمان نه تنها از لحاظ تعداد دانشگاه و به تبع آن دانشجو وضعیت خوبی نداشت، بلکه همان اندک مردمی که در حقیقت جزء پاسوادهای جامعه به‌شمار می‌رفتند، تنها در حد خواندن و نوشتن بودند و

از تحصیلات دانشگاهی محروم بوده‌اند. براساس آمار در سال ۱۳۵۵ تنها ۱۷۰ هزار دانشجو و ۲۲۳ واحد دانشگاهی در کشورمان که جمعیت ۲۳ میلیون نفری داشت، وجود داشته و در کل کشور نیز نرخ باسوادی در آن زمان تنها ۴۷/۲ درصد بوده که از این میان نیز تفاوت نرخ باسوادی بین مردان و زنان هم نرخ ۲۳/۸ درصدی داشته است.

درست است که جمعیت کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تقریباً دو برابر شده و براساس آخرین سرشماری صورت گرفته در سال ۱۳۹۵ کشورمان ۷۹ میلیون نفر جمعیت دارد، با این حال رشد تعداد دانشجویان و ارتقای سطح سواد جامعه نیز براساس آمار تفاوت چشمگیری نسبت به گذشته داشته و در حال حاضر چهار میلیون و ۸۳ هزار دانشجو در کشور وجود دارد و از میان آنها هم بیشترین دانشجویان مربوط به مقطع کارشناسی هستند. در این میان سهم دانشجویان دکتری و تحصیلات تکمیلی بعد از پیروزی انقلاب نسبت به رژیم پهلوی